

## دست‌بافته‌های گیلان؛ از نخ تا خیزران

سید ابوالفضل جعفری نژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

شرایط خاص جغرافیایی گیلان؛ هوای مرطوب، کوه‌های پوشیده از جنگل و مناظر زیبا و رنگارنگ از یک سو و سوابق طولانی چند هزار ساله مردم این سرزمین در هنر و صنعت از سوی دیگر موجب گردیده تا این منطقه از دوران کهن تا امروز دارای صنایع و دست‌ساخته‌های زیبا، متنوع و گوناگون باشد.

برای صنایع دستی گیلان آغازی نمی‌توان تعیین کرد. به احتمال زیاد نخستین دست‌ساخته‌های مردمان این منطقه نیز مانند ساکنین سایر نقاط از سنگ و استخوان حیوانات بوده و شاید همزمان با آنها وسایلی نیز از پوست و پشم حیوانات تهیه می‌کردند.

دست‌بافته‌های گیلان گستره وسیعی را شامل می‌شود. این دست‌بافته‌ها پیوند نزدیکی با معیشت و اقلیم سرزمین گیلان دارند. مواد اولیه دست‌بافته‌ها به جز بافته‌های پارچه‌ای که تقریباً در دیگر نقاط هم یافت می‌شود از گیاهانی است که خاصه یا در شمال کشور ایران

---

۱. کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی از دانشگاه پیام نور گیلان و پژوهشگر فرهنگ عامه saj.۸۲۵@gmail.com

می‌روید یا بهترین نوع آن ویژه این دیار است. الیاف، حصیر و خیزران از مهم‌ترین موادی است که بسیاری از ابزار زندگی سنتی و مدرن با آنها بافته می‌شود و با استقبالی که در سال‌های اخیر از ساخته‌های خلاقانه جدید شده، صناعات و ساخته‌های جدید و تازه‌ای به صناعات این هنر افزوده شده است.

دست‌بافته‌های بومی مناطق مختلف ایران هر کدام ویژگی منحصر به فردی دارند؛ از شکل، رنگ، طراحی تا نحوه استفاده که می‌تواند با اندک نوآوری و خلاقیت به روز و مناسب‌سازی شود. نمایش این دست‌بافته‌ها از رسانه، ذائقه مخاطبان ایرانی را با تولیدات بومی همراه می‌سازد و سبب آشنایی نسل جوان با طبیعت و نگاه خلاقانه منابع طبیعی در قالب هنر و صنعت می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** بامبوفایی، حصیربافی، سبذبافی، مرواربافی، قلاب‌دوزی، گلیم، جاجیم

## مقدمه

حفریات باستان‌شناسی در نقاط مختلف گیلان (بخصوص چراغعلی‌تپه و تالش) و آثار مکشوفه در این نقاط از قبیل مجسمه‌های تزئینی و مذهبی، ظروف طلا، نقره و برنجی، سلاح‌های برنزی، وسایل زینتی از قبیل گردنبند، گوشواره، سنجاق‌های سینه، مهرهای استوانه‌ای و سایر وسایل، مدارک زنده و گویایی از پیشرفت صنایع دستی در گیلان و آشنایی عمیق مردم این منطقه با رموز و دقایق هنرهای دستی در دوره‌های ماقبل تاریخ است. جام‌های زرین مکشوفه در مارلیک (رودبار) چه از نظر فکر، اندیشه و تخیل هنرمند در خلق تصاویر و اشکال بدیع و چه از لحاظ مهارت و استادی در کار فلزکاری، آثاری بی‌بدیل به شمار می‌آیند.

همچنین در حفاری‌های دیلمان، جام‌های شیشه‌ای زیبایی با انواع تزئین‌ها به دست آمده که در ساخت آنها از فنون مختلف شیشه‌گری استفاده شده است. در زمینه سنگ‌تراشی نیز از آثار سنگی مکشوفه در حفاری‌ها چنین برمی‌آید که مردم در زمان‌های بسیار دور به صنعت سنگ‌تراشی توجه داشتند و در این صنعت به پیشرفت‌هایی رسیده بودند. مقایسه آثار مکشوفه مربوط به حفریات چراغعلی‌تپه با آثاری که در نقاط دیگر به دست آمده نشان می‌دهد که صنایع دستی این منطقه در دوران‌های کهن پیشرفته بوده و هنرمندان و صنعتکاران آن در سطح بالایی از ذوق و هنر قرار داشته‌اند.

## نگاهی به گذشته

واژه صنعت از ریشه صنع (عربی) به معنای ساختن یا آفریدن (صفی‌پوری، بی‌تا: ۱۵۰) استخراج شده است. در زبان انگلیسی، واژه صنعت از واژه لاتین «industria» گرفته شده و به

معنی بازرگانی و ساخت می‌باشد. (صدری افشار و همکاران، ۱۳۷۰: ۴۵۳) منظور از ساخت، ایجاد دگرگونی در نمود و شکل ظاهری یا دگرگونی در ترکیب و چگونگی موادی است که نیازمندی انسان را برآورده نکرده و تغییر شکل یا ترکیب سبب می‌شود که نیازمندی معینی را برآورده سازد. البته در مورد تعریف دقیق صنعت، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد.

قبل از تولد ماشین، کلیه مصنوعات توسط دست یا ابزار ساده دستی ساخته می‌شد اما هر اثری را که مصنوع دست بشر باشد نمی‌توان جزو هنرهای سنتی به شمار آورد. به طور کلی منظور آن گروه از ساخته‌های دست انسان است که در خلق و ایجاد آنها ذوق و هنر به کار رفته باشد.

در چارچوب این تعریف ما به بحث پیرامون صنایع دستی مهمی که از دیرباز در گیلان رایج بوده و امروز نیز کم و بیش در نقاط مختلف این استان رواج دارد می‌پردازیم. اما باید دانست برخی از صنایع دستی گیلان که در گذشته‌های دور مورد توجه هنرمندان گیلانی بوده امروز در این استان رونقی ندارد که از این صنایع می‌توان به فلزکاری، شیشه‌گری و سنگ‌تراشی اشاره کرد. از میان صنایع مختلف در این استان، در این مقاله به دست‌بافته‌ها اشاره شده است.



### سبدبافی و حصیربافی

سبدبافی و حصیربافی عبارت از بافت رشته‌های حاصل از الیاف سلولزی (گیاهی) به کمک دست و ابزار ساده دستی است که طی آن محصولات مختلفی نظیر زیرانداز، سفره

حصیری، انواع سبد و ظروف و سایر وسایل تولید و عرضه می‌گردد. (بی‌نام، ب ۱۳۸۲: ۱۳-)

(۱۲)

حصیرباف نیز فرد ماهری است که محصولات مختلفی نظیر انواع سبدهای میوه، کیف

دستی، انواع مبلمان و غیره را از مواد اولیه‌ای مانند نخل و الیاف آن، نی و نظایر آن ایجاد می‌کند. (همان: ۱)

سبذبافی و حصیربافی به عقیده بسیاری از محققان پس از سنگ‌تراشی قدیمی‌ترین صنعتی است که انسان با آن آشنا شده است. این صنعت منشاء بسیاری از هنرهای دستی دیگر از جمله پارچه‌بافی، گلیم بافی، بامبو بافی، سفال‌گری و کوزه‌گری است. هنگامی که بشر هنوز با صنعت سفال‌گری آشنا نشده بود روی سبدها را با گل می‌پوشاند و روی آتش می‌پخت تا ظرف‌هایی به دست آورد که برای کاربردهای مختلفی نظیر نگهداری آب، مناسب باشد. «بسیاری از انواع کوزه‌ها و سفالینه‌های روزگاران نوسنگی و مس، نی‌ها یا ترکه‌هایی در خود دارند که احتمالاً به جای ریسمان به کار می‌رفته و نشانه آن است که سفال‌گری اصلاً از فن سبذبافی پدید آمده است.» (گلاک، ۱۳۵۶: ۴۱)

بافتن گلیم، قالی و انواع پارچه‌ها از روی سبذبافی و حصیربافی اقتباس شده است. قدیمی‌ترین نمونه دستباف به حدود ۶ هزار سال قبل تعلق دارد. قدیمی‌ترین نمونه حصیر ایران، مربوط به منطقه شهداد، واقع در استان کرمان است. (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۱)

حصیربافی که شامل بامبو بافی و مروار بافی می‌شود، یکی از حرفه‌های بسیار کهن و قدیمی است و انواع محصولاتی را که با استفاده از الیاف، ساقه و شاخه‌های گیاهان مختلف بافته می‌شود را شامل می‌شود. این هنر اغلب در مناطق شمالی و جنوبی کشور که دسترسی به ساقه برنج، گندم، درخت خرما، ترکه‌های درخت بادام، انار، بید و مروار وجود داشته به چشم می‌خورد.

حصیربافی یا بافت بوریا که امروزه به طور تقریبی تمام دست‌اندرکاران آن را زنان روستایی تشکیل می‌دهند، یکی از قدیمی‌ترین هنرهای دستی و سنتی بشر است.

کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده در بین‌النهرین و آفریقا تأیید می‌کند که حصیربافی و سبذبافی، نه فقط منشأ نساجی به شمار می‌آید، بلکه سفال‌گری هم که شروع آن تحولی بزرگ در زندگی بشر به وجود آورد، متأثر از سبذبافی بوده است؛ زیرا یافته‌های باستان‌شناسان نشان

می‌دهد پیش از آن که چرخ سفال‌گری ابداع شود، سفال‌گران ابتدا وسیله‌ای را که ساخت آن مورد نظرشان بود به صورت حصیری بافته و سپس قسمت درون یا بیرون آن را با گل می‌پوشاندند و در کوره حرارت می‌دادند.

هم اکنون بافت حصیر و سبد، در تمامی مراحل، کاری زنانه است و جز حصیرهای سقف که تا حدودی مردان نیز در تولید آن دخالت دارند، بقیه انواع سبد و حصیر توسط زنان تولید می‌شود و نقش مردان خانوار در این زمینه، فقط منحصر به تأمین مواد اولیه و گاه بردن محصولات تولیدی به بازار فروش است. هر چند در بیشتر موارد، کار فروش فرآورده‌ها را نیز خود زنان بر عهده دارند.



از سبد در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف به عنوان ظرف استفاده می‌شود و حصیر برای پوشاندن کف و سقف به کار می‌رود. در گذشته، زیرانداز و کف پوش روستاییان از حصیر بود و امروز هم استفاده از آن در برخی روستاهای ایران رواج دارد. حصیرهای ساخت گیلان و سایر نواحی شمال ایران طرح‌های هندسی دارند و از نی طبیعی یک رنگ بافته می‌شوند. حصیربافی و سبدبافی از هنرهای سنتی و خانگی بسیار رایج در استان گیلان است. حصیر در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف بافته می‌شود و مصارف گوناگونی مانند زنبیل، کلاه، سفره، سبد، آبکش و زیرداغی دارد.

حمام، گلشن، جفرود، غازیان، بندر انزلی و روستاهای اطراف آنها در گیلان از نظر تولید حصیرهای زیبا و مرغوب شهرت بیشتری دارند.

### مرواربافی

یکی از ترکه‌بافی‌های متداول، مرواربافی است و به دست‌بافته‌هایی از ساقه‌های نازک از جنس یک نوع گیاه بید به نام «بید مرواری» اطلاق می‌گردد. مروار، گیاهی است تقریباً خودرو که با قلمه زدن نیز تکثیر می‌گردد. اراضی مناطق نسبتاً خشک، محیط مناسبی برای رشد این گیاه است.



مرواربافی از چند دهه پیش در روستای تازه‌آباد آستانه اشرفیه و سپس در سایر نقاط گیلان رواج یافت و تا امروز مراحل رشد خود را طی کرده است. صنعت‌گران گیلانی در زمینه بافته‌هایی از الیاف گیاهی، پیشینه چندین صد ساله داشته و دلیل این مدعا تولید انواع محصولات از جنس برخی گیاهان بومی است. بافت زنبیل، ساک، سبد، حصیر و زیرانداز در زندگی روزمره ساکنان این خطه همیشه کاربرد چشمگیری داشته است.

مرواربافی نیز مانند بسیاری از هنرها و صنایع دستی، روستایی است و در حاشیه شهرها هم به صورت کارگاهی، خانگی، حرفه‌ای و فصلی تولید می‌شود.

مرواربافان گیلان مقادیر قابل توجهی از ماده اولیه مورد استفاده در مرواربافی، یعنی ساقه‌های تازه گیاهان ترکه‌ای را از اطراف تهران و ملایر خریداری کرده و به گیلان حمل می‌کنند. علاوه بر این، گاهی اوقات از ترکه‌های بید محلی نیز که به رنگ قهوه‌ای متمایل به

قرمز است استفاده می‌کنند. (اصلاح عربانی، ۱۳۸۳: ۳۴)

در سال‌های اخیر مرواربافی در برخی از نقاط استان گیلان رونق یافته است و محصولاتی از قبیل سبد (شکلات خوری، میوه خوری، سبد گل و سایر اشکال)، آباژور، لوستر، انواع ساک، سطل زباله، جالباسی (صندوق خمره‌ای، استوانه‌ای)، میز تلفن، مجسمه‌های تزئینی و بسیاری از وسایل روزمره زندگی از این بافته به بازار عرضه می‌گردد. از مراکز مهم تولید محصولات مروار می‌توان به روستاهای صیقلان و بازارجمعه از توابع شهرستان صومعه‌سرا و روستاهای تازه‌آباد و گورکا از توابع شهرستان آستانه اشرفیه اشاره کرد.

### بامبوفافی

منظور از بامبوفافی، همان بافت رشته‌های حاصل از الیاف سلولزی گیاه بامبو (نی خیزران) به کمک دست و ابزار ساده دستی است که طی آن محصولات مختلفی نظیر زیرانداز، سفره حصیری، انواع سبد، انواع ظروف و سایر وسایل تولید و عرضه می‌گردد. (بی‌نام، ج ۱۳۸۳: ۲۹ و ۲۷)

بامبوفاف علاوه بر طراحی و بافت اشیای مختلف (میز، صندلی، تختخواب و انواع وسایل لوکس) دارای اطلاعات و مهارت لازم در این زمینه است. (همان: ۲)

بامبوفافی از صنایع رایج در سرزمین‌های ساحلی است. آب و هوای مساعد، رطوبت فراوان و کیفیت خاک زمینه بسیار مساعدی را برای رویش طبیعی یا کشت بامبو، یعنی نی خیزران فراهم کرده است.

در حال حاضر، بهترین نوع بامبو در ژاپن، چین و به طور کلی کشورهای آسیای شرقی و هند روئیده یا کشت می‌شود و در ایران؛ لاهیجان، سیاهکل، علی‌آباد (در فاصله سخت‌سر و تنکابن) و قاسم‌آباد رودسر و به طور تقریبی بیشتر نقاط شمال کشور را می‌توان در زمره مساعدترین مناطق رویش بامبو به حساب آورد. (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۸)





طول گیاه بامبو گاه تا ۱۰ متر می‌رسد. در ایران تهیه دست‌ساخته‌های مختلف از بامبو همزمان با کشت چای آغاز شد و بدین ترتیب نخستین بار در لاهیجان مورد توجه قرار گرفت. بامبو یا نی خیزران، گیاهی خودرو است، اما چون محصول خودرو کافی نیست توسط روستاییان کشت می‌شود. بامبو در کاغذسازی و همچنین تهیه برخی مواد غذایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بامبوفان با استفاده از خاصیت ارتجاعی نی، محصولات متنوعی از قبیل ظرف‌های مختلف، کلاهک چراغ‌ها و میز و صندلی تولید کرده و به بازارهای کشور عرضه می‌کنند. طی سال‌های اخیر در نتیجه تلاشی که برای بهبود کیفیت این دست‌ساخته‌ها بعمل آمده، بر مقدار تولید و نیز تعداد تقاضاها به میزان قابل توجهی افزوده شده است. از مهم‌ترین مراکز تولید محصولات بامبو، روستاهای اطراف لاهیجان بویژه روستای لیالستان است.

### دست‌بافته‌های ابریشمی، پشمی و نخی

فرآورده‌هایی که به کمک دستگاه‌های ساده و سنتی بافندگی (دستگاه ویژه بافت جاجیم، دستگاه دووردی، دستگاه چهاروردی و ژاکار دستی) تولید می‌گردند، دستباف محسوب می‌شوند. (نوروزی، ۱۳۶۶: ۵)

برخی از پژوهشگران آغاز صنعت بافت پوشاک را همزمان با اهلی کردن بز، گوسفند، شتر و استفاده از پشم آنها می‌دانند. اگر نظر آنان مورد قبول باشد عمر دست‌بافته‌های پشمی در نواحی شمال ایران از جمله گیلان به ۸۰۰۰ سال قبل می‌رسد. مردم این نواحی در آن

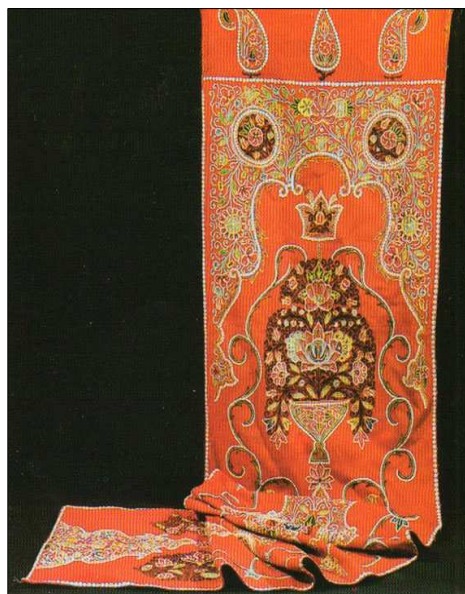
روزگاران به پرورش بز، گوسفند و کشت غله اشتغال داشتند و از پشم بز و گوسفند؛ تن‌پوش، کلاه و پای افزار می‌بافتند و کار دوختن را نیز با سوزن‌های شاخکدار انجام می‌دادند. نقش جامه‌های نفیس و فاخر شاهان و بزرگان با طرح‌های بسیار زیبا بر روی مجسمه‌ها و ظرف‌های فلزی متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد نشان می‌دهد که طی چند هزار سال، پیشرفت‌های قابل توجهی در این رشته نصیب بافندگان هنرمند شده است.

متأسفانه آب و هوا و رطوبت گیلان جز در موارد معدود اجازه نداده است آثار کهن دست بافته‌های پشمی و نخی به دست ما برسد. آثار باقی مانده در مقابر باستانی هم ضمن حفاری‌ها از بین رفته‌اند اما از نمونه‌های نادری که در حفاری‌ها کشف شده و از نقش‌های متنوعی که بر روی ساخته‌های فلزی باقی مانده می‌توان تا حدودی به چگونگی بافت و نیز مهارت و تبحر پدید آورندگان آنها پی برد.

در حفاری مارلیک آثاری از پارچه، نوار و نخ به دست آمد که متعلق به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد است.

در حفاری‌های نقاط دیگر گیلان نیز تکه‌های کوچکی از انواع پارچه‌ها پیدا شده که عمر آنها از منسوجات مارلیک نیز بیشتر است.

**دست‌بافته‌های ابریشمی:** زری‌بافی و ابریشم‌بافی در گیلان نیز مانند سایر نقاط ایران سابقه‌ای طولانی دارد. زری‌بافی، دست‌بافته‌ای بدون گره است که با گذراندن تار و پودهای ابریشمی رنگارنگ و نخ



گلابتون، از لابه‌لای یکدیگر و با استفاده از دستگاه زری‌بافی بافته می‌شود. (بی‌نام، الف ۱۳۸۲: ۷) در گذشته، پوشاک پادشاهان و امیران از ابریشم بود و این سنت در دوره‌های بعد از اسلام نیز ادامه یافت. چنان که امرای مقتدر دیلمی و دیگر فرمانروایان، پارچه‌های ابریشمی را زیب‌پیکر خویش می‌ساختند.

نمی‌توان انکار کرد که زادگاه ابریشم، کشور چین بوده است و نخستین بار چینی‌ها دست‌بافت ابریشمی را به جهانیان عرضه کردند. ورود ابریشم به ایران از زمان اشکانی آغاز شد و در دوره ساسانی به مقدار قابل توجهی افزایش یافت. در ایران نیز به تدریج پرورش کرم ابریشم و صنعت ابریشم رواج یافت.

پس از آن که ابریشم چین به گیلان رسید، بافندگان هنرمند گیلانی که در بافت پارچه‌های پشمی و نخی مهارت و تجربه داشتند به تولید دست‌بافته‌های ابریشمی پرداختند. از آن زمان بافت انواع پارچه‌ها و منسوجات ابریشمی در نقاط مختلف گیلان بویژه قاسم‌آباد و روستاهای رودسر رواج یافت.

امروزه در قاسم‌آباد از ابریشم طبیعی و پنبه نوعی پارچه بافته می‌شود که به چادرشب معروف است. از چادرشب برای دوخت پرده، رو تختی و رویه لحاف استفاده می‌شود و زنان محلی آن را به دور کمر می‌بندند. عرض پارچه چادرشب باریک و در حدود ۳۱ سانتی‌متر است و طول آن به ۲۴۵ سانتی‌متر می‌رسد. یک چادرشب از اتصال ۶ تکه به یکدیگر درست می‌شود. (محمد صادقیان، ۱۳۷۷: ۲۵) در این بافته، رنگ‌های متنوع انتخاب می‌گردد و نقش‌ها در پود نمودار می‌شود. رنگ زمینه، اغلب قرمز است و نقش، از نوارهای زربافت با طرح‌های هندسی به رنگ‌های سبز، زرد، صورتی، آبی، نارنجی و سفید پدید می‌آید. نگاره‌ها، ترکیبی از صور طبیعی و اشکال انتزاعی هندسی است که برخی از آنها به نقوش سفالینه‌ها و آثار فلزی دوران کهن شباهت دارند. نقش‌های شطرنجی و شانه‌ای از گذشته تاکنون تغییری نیافته است. برخی نقش‌ها نیز مربوط به مظاهر طبیعت و اشکال حیوانات است که امروز بر روی

چادرشب‌های ابریشمی و نخ‌ی قاسم‌آباد دیده می‌شود و تفاوت‌های بسیار کمی با نقش‌ها و تصاویر مورد علاقه صنعتگران دوره‌های کهن دارد.

در چادرشب‌های ابریشمی خطوط زیگزاگ با رنگ‌های متناوب سیاه و سفید به چشم می‌خورد که به عقیده برخی صاحب‌نظران کنایه‌ای است از برکه‌ای موج که در نور خورشید بازتاب یافته است.



زنان قاسم‌آبادی از چادرشب و پارچه ابریشمی لباس‌های زیبایی تهیه می‌کنند و آنها را در مجالس

عروسی و جشن و مهمانی می‌پوشند. این لباس‌های بومی از کت کوتاه، جلیقه، شلوار و دامن چین‌داری که «شلیته» نام دارد ترکیب یافته است. تکه‌ای پارچه و نواری پهن به دور سر، موهای آنان را می‌پوشاند. نقش‌های زردوزی به رنگ‌های سیاه، قرمز، زرد و سفید بر روی حاشیه روسری‌ها به چشم می‌خورد.

در گذشته، لباس مردان قاسم‌آبادی نیز از دست‌بافته‌های روستا بود و به شکل سنتی تهیه می‌شد. ولی امروزه مردان به ندرت از لباس‌های سنتی استفاده می‌کنند. امروزه بافت چادرشب‌های ابریشمی اندک اندک در حال فراموشی است ولی چادرشب‌های پنبه‌ای هنوز کاملاً متروک نشده است. در چادرشب‌های پنبه‌ای رنگ اصلی قرمز است و نقش‌ها غالباً شطرنجی و چهارخانه‌ای با راه‌های پهن آبی، سفید و خطوط سبز و زرد می‌باشند.

بافتن چادرشب در نقاط مختلف گیلان بویژه در شرق استان متداول است. در روستاها اکثر زنان چادرشب به کمر می‌بندند و هنگام کار در مزارع با استفاده از چادرشب کمر را محکم و پاها را استوار می‌سازند. تولید چادرشب و انواع بافتنی‌ها در فصل زمستان و هنگام فراغت از کارهای کشاورزی توسط زنان انجام می‌گیرد.

**دست‌بافته‌های پشمی:** به انواع مصنوعاتی که با کمک میل، قلاب و نظیر آن و با الیاف

طبیعی پشم تولید می‌شود، دست‌بافته‌های پشمی می‌گویند. (بورله، ۱۳۶۹: ۱۲)

در نقاط مختلف گیلان بخصوص تالش از پشم گوسفندان دست‌بافته‌هایی نظیر شال، جوراب، دستکش، بلوز و نظایر آنها عرضه می‌شود که مورد استفاده اهالی بویژه در نواحی سردسیر استان قرار می‌گیرد.

بیشتر بافتنی‌ها از پشم گوسفندان منطقه تهیه می‌شود. به طور معمول پشم گوسفندان را دو بار و بزها را یک بار در سال می‌چینند. پشمی که توسط دامداران گیلان بخصوص دامداران تالشی عرضه می‌شود نه تنها در سطح گیلان بلکه در شهرهای دامنه البرز از جمله قزوین، اردبیل و خلخال نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. کار حلاجی، ریسندگی و رنگرزی پشم‌ها نیز بیشتر در روستاها انجام می‌شود. برای رنگ کردن پشم از مواد شیمیایی یا مواد گیاهی استفاده می‌کنند. بافندگان خود به شیوه سنتی پشم را رنگ کرده مورد استفاده قرار می‌دهند، برخی نیز آنها را به رنگرزان حرفه‌ای و رنگرزی‌ها می‌سپارند.

بافتن جوراب، دستکش، کلاه، شال و خورجین از پشم و نخ در اغلب نقاط گیلان مرسوم است. عمده‌ترین مناطق تولید دست‌بافته‌های پشمی، روستاهای اطراف رودسر، لاهیجان، فومن، صومعه‌سرا، رودبار و تالش است. برخی از دست‌بافته‌ها دارای زیبایی و ظرافت خاصی هستند به طوری که از آنها جهت تزئین و دکور استفاده می‌شود.

دست‌بافته‌های پشمی گیلان بسیار متنوع هستند. در میان آنها جوراب، دستکش و شال گردن متداول‌تر از سایر انواع می‌باشند. این دست‌بافته‌های پشمی بخصوص جوراب با چنان زیبایی و ظرافتی تهیه می‌شوند که بدون تردید می‌توان آنها را در شمار برجسته‌ترین صنایع دستی گیلان قرار داد.

بافتن جوراب، دستکش، شال و کلاه یا عرقچین منحصراً توسط زنان و در فصل تابستان انجام می‌گیرد و در اغلب نقاط گیلان بخصوص در روستاها عمومیت دارد. هنر بافتن وسیله‌ای برای نشان دادن استعداد هنری و قابلیت دختران جوان گیلانی در روستاهاست. آنها قبل از آن که به خانه بخت بروند تعدادی از این دست‌بافته‌ها را تهیه کرده همراه جهیزیه به خانه داماد

می‌برند و به خویشان نزدیک او هدیه می‌کنند تا بدین وسیله ذوق و قابلیت خود را بنمایانند.  
**گلیم و جاجیم:** گلیم و جاجیم در اصل یک کالای روستایی بوده و به وسیله چوپانان و روستاییان بافته می‌شود. بدون تردید انگیزه بافت گلیم و جاجیم نیاز خانواده‌های روستایی و شبانی به این کالا بوده و در دسترس بودن مواد و مصالح، پیدایش و گسترش آن را موجب شده است. با اندکی دقت روشن می‌شود که ماهیت اساسی بافندگی روستایی و خصلت سنتی و مصرف آن از دوران کهن تا امروز تغییر چشمگیری نکرده است.

در گذشته، روستاییان گیلان دستبافته‌هایی چون گلیم، جاجیم، خورجین و نظایر آنها را برای عرضه به بازار تهیه نمی‌کردند و این کالاها گهگاه به عنوان فرآورده‌های اضافی در داد و ستدهای پایاپای میان افراد محلی رد و بدل می‌شد. اما امروز بافندگان روستاهای گیلان علاوه بر تأمین نیازهای خود، دست‌بافته‌های زیبایی جهت عرضه به بازار تهیه می‌کنند.

در گیلان، ماده اصلی این بافته‌ها پشم است و برخی از بافندگان از پنبه استفاده می‌کنند. در روستاها، زنان اغلب با دوک‌های کوچک، پشم می‌ریسند و سپس آن را به صورت نخ در می‌آورند و نخ را با استفاده از مواد شیمیایی یا گیاهی رنگ می‌کنند.

مراکز تولید گلیم در گیلان، شهرستان‌ها و روستاهای تالش، رودبار، فومن و رشت است. در این مراکز قالی و قالیچه نیز بافته می‌شود ولی قالی‌بافی در گیلان رواج قابل توجهی ندارد.

با رواج کالاهای ماشینی، جاجیم‌بافی رونق خود را از دست داده است. در گذشته نوعی جاجیم از ابریشم و پشم بافته می‌شد



که زیبایی خاصی داشت ولی امروزه به علت گرانی ابریشم و عدم نیاز، بافت آن به طور

تقریبی منسوخ شده است. در جاجیم‌های گیلان رنگ اصلی مانند سایر دست‌بافته‌ها، قرمز است.

خورجین نیز از نظر تولید، کم و بیش وضعی نظیر جاجیم دارد. در گذشته که برای حمل و نقل کالا از چارپایان استفاده می‌شد کلیه خانواده‌های روستایی به خورجین نیاز داشتند، زیرا این دست‌بافته پشمی یا نخی تنها وسیله مناسبی بود که کالاهای روستاییان را در خود جای می‌داد و به آسانی بر پشت چارپایان قرار می‌گرفت اما امروزه با از میان رفتن این کارکرد استفاده از خورجین هم محدود شده است.

## قلاب‌دوزی

قلاب‌دوزی یکی از قدیمی‌ترین هنرهای دستی و عبارت از تزیین پارچه‌های ارزنده ضخیم از طریق رودوزی است. در این هنر، زمینه پارچه به وسیله نخ‌های ابریشمی تزیین می‌گردد. با توجه به بلوغ هنر و صنایع دستی گیلان در دوره‌های باستانی بخصوص در صنعت تولید و بافت انواع پارچه‌ها و نیز مهارت و استادی صنعتگران معاصر گیلان در کار قلاب‌دوزی باید این استان را از مراکز بسیار قدیمی قلاب‌دوزی به شمار آورد.

تا چهار دهه پیش، شهر رشت با دارا بودن کارگاه‌های متعدد قلاب‌دوزی و استادان ماهر، بزرگ‌ترین مرکز قلاب‌دوزی ایران محسوب می‌شد، ولی در سال‌های اخیر کارگاه‌های قلاب‌دوزی یکی پس از دیگری تعطیل شد و استادان ماهر این رشته دست از کار کشیدند. مهم‌ترین علل این ضایعه را باید در کمبود مواد اولیه، افزایش قیمت‌ها، پایین بودن دستمزدها، کاهش تقاضا و بالاخره از بین رفتن استادان قدیمی جستجو کرد. اکنون در شهر رشت تعداد انگشت‌شماری کارگاه قلاب‌دوزی وجود دارد و در گوشه و کنار گیلان نیز برخی از زنان، به تفنن نقشی بر روی پارچه می‌اندازند. در گذشته قلاب‌دوزی در شهرستان رشت رایج بوده و افراد بسیاری به آن اشتغال داشتند اما در حال حاضر از گستردگی پیشین برخوردار نیست. قلاب‌دوزی مراحل مختلف دارد. ابتدا هنرمند طرح مورد نظر خود را روی کاغذ رسم کرده

و آن را روی ماهوت یا پارچه ضخیمی منتقل می‌کند. برای ترسیم طرح بر روی ماهوت، کاغذ را به پارچه وصل کرده، خطوط رسم را با سوزن سوراخ سوراخ می‌کنند. سپس پودر گچ را روی کاغذ می‌پاشند تا گچ از سوراخ‌ها عبور کرده بر روی ماهوت بنشیند. با اتصال نقطه‌ها به یکدیگر طرح مورد نظر روی ماهوت نقش می‌بندد. گاهی صنعتگران از روش آسان‌تری استفاده می‌کنند، بدین نحو که پس از ترسیم نقشه بر روی کاغذ، آن را به محلول سینکا (نوعی سفید آب) آغشته کرده روی ماهوت قرار می‌دهند. سپس با فشار بر روی خطوط، طرح را به پارچه منتقل می‌کنند. بعد از ترسیم نقشه بر روی ماهوت با استفاده از قلاب یا سوزن مخصوص و توسط نخ ابریشمی کار رودزوی انجام می‌شود.

برای قلاب‌دوزی از ماهوت (نوعی پارچه پرزدار ضخیم که دارای تار و پود محکم بوده و از آن لباس و پرده می‌دوزند) استفاده می‌کنند. این پارچه در رنگ‌های مختلفی مانند سیاه، سرمه‌ای، زرشکی، قرمز سیر، قهوه‌ای و رنگ‌های دیگر دیده می‌شود.

در گیلان ترسیم نقوش قلاب‌دوزی اغلب ذهنی بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. نقوشی که بیشتر مورد توجه قرار دارد نقش‌های قدیمی کج‌بوته‌ای، ترنجی و گرد است.

### جمع‌بندی

با توجه به علاقه‌مندی هموطنان سراسر کشور به صنایع دستی گیلان، میزان تقاضا برای این دست‌بافته‌ها در حال افزایش است و روزانه مقدار قابل توجهی از این تولیدات به سراسر کشور حمل می‌گردد. این تقاضای عمومی موجب گردیده تا علاقه به فراگیری و آموزش این هنرها بیش از پیش در بین زنان و مردان و بخصوص جوانان بوجود آید و بسیاری از شهرها و روستاهای استان عرصه تولید محصولات متنوع این صنایع باشد. همچنین، رقابت باعث گردیده تا کیفیت تولید و بخصوص نوآوری در بافت و مصالح مورد توجه قرار گیرد. از این رو پرداختن اصولی و علمی برای تولید این بافته‌ها می‌تواند این صنایع را توسعه داده و زمینه صادرات را برای آنها فراهم کند. توسعه صادرات یک تولید به معنای ایجاد اشتغال و افزایش سرمایه‌گذاری و به تبع آن افزایش درآمد ملی در حوزه صنایع فرهنگی است.



## منابع

۱. اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۸۳) کتاب گیلان (جلد سوم)، چ ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. بورله، ژان اتین (۱۳۶۹) پشم و صنعت نساجی پشمی، ترجمه ابوالقاسم طاهری عراقی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳. بی‌نام، (الف ۱۳۸۲) زری‌بافی سنتی ایران، به سفارش سازمان صنایع دستی ایران (معاونت آموزش و تحقیق توسعه و مدیریت تحقیق و توسعه)، تهران: ستایش حور.
۴. بی‌نام (الف ۱۳۸۳) جزوه آموزشی استاندارد مهارت‌آموزی بامبوفاف، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور (معاونت پژوهش و توسعه).
۵. بی‌نام (ب ۱۳۸۳) جزوه آموزشی استاندارد مهارت‌آموزی حصیر باف، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور (معاونت پژوهش و توسعه).
۶. صدری افشار، غلامحسین و همکاران (۱۳۷۰) فرهنگ جیبی زبان فارسی امروز، تهران: نشر کلمه.
۷. صفی‌پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم (بی‌تا) فرهنگ عربی به فارسی (منتهی‌الارب فی الفه العرب)، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
۸. گلاک، جی (۱۳۵۶) سیری در صنایع دستی ایران، ترجمه علاء فیروز، تهران: انتشارات بانک ملی ایران.
۹. نوروزی، مریم (۱۳۶۶) بافتنی؛ دست‌بافت ایرانی، تهران: مرآتی.

## مقالات

۱. بی‌نام، (ب ۱۳۸۲) «کارگاه آموزشی حصیربافی و سبببافی»، ماهنامه صنایع دستی ایران، تهران: سازمان صنایع دستی ایران، ش ۲۲.

۲. بی‌نام (ج ۱۳۸۳) «کارگاه آموزشی بامبوفافی در ایران»، ماهنامه صنایع دستی ایران، تهران: سازمان صنایع دستی ایران، ش ۲۹.
۳. حسینی، سید سعید (۱۳۸۴/۶/۸) «بامبو لاهیجان در خدمت ساخت و ساز»، روزنامه همشهری، ش ۳۷۸۷.
۴. رستمی، نظیفه (۲/ ۴/ ۱۳۸۶) «حصیربافی؛ یادگار کهن‌ترین هنر دست آدمی»، روزنامه ایران.

#### پایان‌نامه

۱. محمد صادقیان، حسن (۱۳۷۷) «بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در تشکل‌های اقتصادی - اجتماعی (مطالعه موردی تعاونی چادرشب شهرستان رودسر از استان گیلان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان.